

رونمایی از تصمیم ضدروستایی دولت



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

وزارت جهاد کشاورزی را در قالب ساختاری جدید سامان دهد، البته این تصمیم با اما و اگرهای زیادی همراه است چراکه حافظه عمومی فرجام نمونه‌های مشابه را فراموش نکرده است.

سال‌ها پیش، ادغام وزارتخانه‌هایی مانند «صنعت، معدن و تجارت» یا «راه و شهرسازی» و «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» به هدف آنچه چابک‌سازی نامیده می‌شد، انجام شد، اما خروجی آن به جای کاهش دیوان‌سالاری، افزایش سردرگمی شده‌است، به طوری که ساختارهای عریض و طویل گذشته در دل سازمان‌های جدید پنهان مانده‌اند و هر بخش معاونت تازه‌ای ساخته‌است اما دفاتر قدیمی حفظ شده‌اند و در نهایت تنها تفاوت، تغییر تابلوهای سردر است. در این میان شهروند و تولیدکننده با همان صف‌های اداری، همان تأخیر در ارائه خدمات و همان تصمیم‌گیری‌های مبهم روبه‌رو می‌شود.

اکنون ایده ادغام سازمان‌های «منابع طبیعی و آبخیزداری کشور»، «امور اراضی کشور»، «شیلات»، «دامپزشکی»، «حفظ نباتات» و «تعاون روستایی» نیز نگرانی مشابهی ایجاد کرده است. هر کدام از این نهادها وظایف ویژه و پیچیده‌ای از مدیریت ۱۳۴ میلیون هکتار عرصه طبیعی گرفته تا تنظیم بازار نهاده‌های دامی و کنترل بیماری‌های دامی و گیاهی دارند و به دانش و تجربه خاص خود متکی هستند، بنابراین تلفیق چنین بافت‌های متفاوتی در یک قالب اداری لزوماً چابکی به همراه نمی‌آورد و چه بسا مدیریت را فرسایشی‌تر کند.

طرح جدید دولت در حالی مطرح شده است که هم‌زمان معاونتی در نهاد ریاست‌جمهوری با عنوان «توسعه روستایی و مناطق محروم» فعالیت می‌کند که سال‌هاست از بودجه قابل توجهی برخوردار است و پروژه‌های متعدد تعریف می‌کند، اما نتیجه ملموس آن در زندگی روستایی کمتر دیده می‌شود. این روزها آنچه بیشتر از هر چیزی از این معاونت به چشم می‌آید، حضور پررنگ رسانه‌ای، افتتاح‌های نمادین و گزارش‌های تشریفاتی است، در حالی که نیاز اصلی روستاجای دیگری است. دهبزاری‌ها و شوراهای محلی برای سامان‌دادن به ابتدایی‌ترین امور، با کمبود منابع نقدی روبه‌رو هستند و بخش قابل توجهی از انرژی این نهادها صرف مکاتبات با سازمان‌های بالادستی می‌شود، در حالی که ظرفیت تصمیم‌گیری محلی، اگر بودجه واقعی و اختیارات کافی داشته باشد، به‌سرعت کارآمدتر است.

جامعه روستایی کشورمان با ۲۷میلیون جمعیت، پرازده‌ترین طبقه جمعیتی کشور است، چراکه بخش زیادی از گندم، گوشت، محصولات لبنی و نهاده‌های اساسی کشور در همین مناطق تولید می‌شود. با وجود این حجم از نقش آفرینی، سهم و توان روستاییان از تصمیم‌گیری ملی اندک است چراکه کشاورزان و دامداران نه امکان فعالیت تبلیغاتی گسترده دارند، نه در عرصه‌های سیاسی صدایی بلند یافته‌اند و نه فرصت حضور مستمر در فضاهای رسانه‌ای را دارند، در نتیجه کاهش قیادت تصمیمی گندم دیر اعلام می‌شود، زمانی که نرخ نهاده‌های دامی ناگهان جهش پیدا می‌کند یا وقتی تعهدات بیمه کشاورزی با تأخیرهای طولانی پرداخت می‌شود، کمتر نهادی از زاویه منافع روستا مطالبه‌گری می‌کند. این خلأسبب شده است بسیاری از تولیدکنندگانی که در برابر شوک‌های اقتصادی بی‌دفاع می‌مانند و زیان‌های پیاپی آنها را از چرخه تولید خارج کند.

در چنین بستری، چابک‌سازی دولت باید معنایی فراتر از ترکیب ظاهری سازمان‌ها داشته باشد. کارآمدی زمانی شکل می‌گیرد که همپوشانی‌های اداری کاهش‌یابد، تصمیم‌گیری کونه‌تر شود و تضاد مأموریت‌ها از میان برود. اگر دولت واقعاً به دنبال تغییر اساسی به نفع جامعه روستایی است، گزینه منطقی‌تر تشکیل یک وزارتخانه مستقل برای امور روستایی و عشایری است که تمام وظایف مرتبط با خاک، آب، دام، زراعت، مرغ، جنگل، شیلات و امور عشایر را تحت یک مدیریت تخصصی متمرکز کند و مستقیماً در برابر مجلس پاسخگو باشد. وجود ده‌ها سازمان موازی در حوزه‌ای که به‌صورت یکپارچه عمل می‌کنند، صرفاً هزینه اداری و افزایش می‌دهد و احتمال تداخل سیاست‌ها را بالا می‌برد و امکان نظارت مؤثر را کاهش می‌دهد.

دهیاری‌ها نخستین حلقه ارتباطی دولت با مردم روستا هستند و تاکنون به جای آنکه نقش اجرایی واقعی داشته باشند، بیشتر به واحدهای گزارش‌نویسی تبدیل شده‌اند و بخش بزرگی از توان آنها صرف پر کردن فرم‌ها و ارسال مستندات به نهادهای مختلف می‌شود، در حالی که اگر ساختار بودجه‌ریزی به نحوی تنظیم می‌شد که منابع مشخص و قابل اتکا در اختیارشان قرار گیرد، بسیاری از نیازهای قوری روستا بدون انتظار برای حضور مقام‌های بالادستی قابل انجام است.

تداوم وضعیت موجود به معنای استمرار تناقض‌هاست. از یک طرف، در سطح کلان شعار کوچک‌سازی دولت مطرح می‌شود و از طرف دیگر، نهادهای موازی متعددی در حوزه سیاستگذاری روستایی به کار ادامه می‌دهند. از منظر اقتصادی، چنین ساختاری مشوق برنامه‌ریزی بلندمدت نیست. وقتی تصمیم‌گیری میان سازمان‌های متعدد تقسیم می‌شود، سرمایه‌گذار خصوصی نمی‌تواند تصویر روشنی از آینده داشته باشد. هر تغییر در مدیریت یک سازمان با جابه‌جایی یک معاونت کافی است تا متغیرات جدید، رویه‌های تازه و دستورالعمل‌های متناقض صادر شوند. این آشفتگی، فرسایش انگیزه تولیدکننده و خروج او از عرصه رقابت است، ضمناً باید توجه داشت راهبرد خرید تضمینی محصولات کشاورزی و حمایت هدفمند از تولیدکنندگان نقش حیاتی دارد، چه آنکه کشاورز زمانی با اطمینان برنامه‌ریزی می‌کند که بداند محصولش در موعد مقرر و با قیمت منصفانه خریداری می‌شود. تأخیر در اعلام قیمت یا کاهش قدرت خرید دولت، فشار سنگینی بر تولیدکننده وارد می‌کند و بازار را در اختیار دلالتان می‌گذارد. تقویت نظام قیمت‌گذاری، پرداخت بموقع تعهدات و ساماندهی شبکه توزیع نهاده‌ها از جمله اقداماتی است که بدون تغییرات ساختاری برطمطراق، اما با اثرگذاری واقعی، وضعیت تولید را بهبود می‌بخشد.

سال‌هاست نیاز نهادهای مختلف دست‌به‌دست می‌شود. این جمعیت که چرخه تولیدشان به شدت به شرایط اقلیمی وابسته است نیازمند حمایت منسجم و دسترس‌سی پایدار به خدمات دامپزشکی، نهاده‌ها و تسهیلات مالی است. پراکندگی مسئولیت‌ها در این حوزه سبب شده است هر تصمیم کوچک اداری تأثیری بزرگ بر کیفیت زندگی و تولید آنها داشته باشد. یک ساختار متمرکز و پاسخگو می‌تواند این آسیب را کاهش و امنیت تولید را افزایش دهد، بنابراین آینده توسعه روستایی در گرو تصمیم‌هایی است که امروز گرفته می‌شود. ادغام سازمان‌ها اگر صرفاً به تغییر نام‌ها و جابه‌جایی چارت‌ها محدود شود، خسارت بیشتری از منفعت به همراه می‌آورد. آنچه روستا نیاز دارد، مدیریت مقتدر، بودجه واقعی، سیاست‌های پایدار و نظام پاسخگویی شفاف است، بنابراین دولت زمانی موفق خواهد بود که به جای آزمون و خطای ساختاری، انرژی خود را روی بهبود کیفیت خدمات، حمایت مؤثر از تولیدکنندگان و تقویت نهادهای محلی متمرکز کند. دولت اگر به آینده روستا می‌اندیشد، بهترین مسیر همان اصلاحات عملی و قابل سنجش است که روستا را نه در قالب آمار و گزارش، بلکه در میدان عمل تقویت کند.



گزارش یک

پنار قاسمی

در جدال جدید میان دولت و مجلس، خلف‌وعده در اجرای کالابرگ الکترونیک و جایگزینی آن با سبید کالا، موجی از انتقادها را به دنبال داشته است؛ تصمیمی که با تورم نزدیک به ۳۹ درصد و حذف گسترده یارانه‌گیران، سفره میلیون‌ها خانوار ایرانی را کوچک‌تر کرده است. با توجه به افزایش شدید قیمت‌ها و عدم‌همخوانی آن با سطح درآمد اقشار ضعیف و متوسط جامعه به گفته کنشگران، اقشار حداکثری جامعه در شرایط عادی نیستند و در وضعیت «فقر غذایی گسترده» قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی، دولت باید یارانه‌ای بدهد که نتیجه آن به‌طور ملموس در سبد غذایی خانوار دیده شود. این امر می‌تواند از مسیر کالابرگ باشد، به شرطی که طراحی آن به گونه‌ای باشد که واقعاًسبید حداقلی را پوشش دهد و به‌همه مشمولان برسد، نه اینکه به یک تخفیف محدود در چند فروشگاه خاص تقلیل پیدا کند. عضو هیئت رئیسه مجلس در این خصوص می‌گوید: در موضوع کالابرگ، ما یک «قانون مصوب مجلس» داریم که تکلیف دولت را روشن کرده است. از نظر مجلس، مینا «قانون» است، نه سناریوهای متغیر و بعضاً آزمایشی دستگاه‌های اجرایی.

■ ■ ■

آبان ماه هم به پایان رسید، یارانه نقدی بسیاری از اقشار متوسط جامعه از ابتدای پاییز قطع شده و دولت به جای اجرای قانون برنامه هفتم و توزیع کالابرگ برای تأمین ۱۱ قلم کالای سبد معیشت خانوار به قیمت یارانه‌ای، به دنبال راهکارهای غیر منطقی، تورم‌زا و غیر کالابرگی است. گویی تصمیم‌گیران در این کشور زندگی نمی‌کنند و از روند صعودی قیمت‌های کالاهای مصرفی و ضروری مردم بی‌اطلاع هستند. وزارت تعاون اذعان دارد برای تأمین اعتبار کالابرگ، به‌هائنه ۴میلیون نفر از یارانه‌گیران حذف می‌شوند، معانی تا پایان سال ۲۷میلیون نفر از حمایت خارج می‌شوند!

این سیاست بدون وسع سنجی دقیق انجام می‌شود و خانوارهای متوسط را نیز در بر می‌گیرد، هر چند رئیس مجلس در واکنش از عدم‌وسع‌سنجی خانوار، در صحن مجلس به شدت انتقاد کرد اما شواهد نشان می‌دهد وزارت تعاون توجهی به این نقطه ندارد. اخیراًوزارت تعاون ساینی را اعلام کرده است که خانوار می‌تواند برای اعتراض به قطع یارانه‌اش به آن مراجعه کند، این در حالی است که برای خانوارهای متوسطی که در حد‌بندی جدید بین ۹ تا ۶ قرار گرفته‌اند، حق هیچ اعتراضی وجود ندارد. مردم با انتقاد از این شیوه، از نهادهای نظارتی و مجلس درخواست رسیدگی دارند.

■ دبه در شیوه اجرای کالابرگ

سنجگوی دولت در ۱۸ آبان اعلام کرد: «منابع تأمین شده و به جای کالابرگ، سبید کالا اجرا می‌شود. سه دهک اول نفری ۵۰۰هزار تومان و چهار دهک بعدی نفری ۲۵۰هزار تومان دریافت می‌کنند»، این در حالی است که مجلس و دولت پیش‌تر روی



احمد نادری، عضو هیئت رئیسه مجلس: در موضوع کالابرگ، از نظر مجلس هیچ راه‌می جز اجرای دقیق و کامل قانون وجود ندارد. دولت حق ندارد با طرح‌های موازی، مدل‌سازی‌های متغیر یا رویکردهای سلیقه‌ای، مسیر را دور بزند یا فلسفه قانون را تغییر دهد

کالابرگ الکترونیک توافق کرده بودند.افشای راه‌های جایگزین کالابرگ، با موجی از انتقادات مجلسی‌ها روبه‌رو شده است، زیرا در شرایطی که قدرت خرید خانوارها نابود شده و دهک‌های پایین دسترسی به کالاهای اساسی ندارند، کالابرگ می‌توانست ضربه‌گیر باشد اما تغییر مسیر به سبید کالا و حذف گسترده یارانه، سفره مردم را کوچک‌تر می‌کند.

■ مینا قانون است، نه سنناریوی آزمایشی دستگاه‌ها

احمد نادری، عضو هیئت رئیسه مجلس در واکنش به خلف‌وعده دولت در اجرای قانون کالابرگ، با تأکید بر اینکه دولت موظف است کالابرگ را طبق قانون

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۲۳۰۸۸۵

با وجود اصرار مجلس در اجرای بموقع کالابرگ

آبان بدون «کالابرگ» به سر رسید

عضو هیئت رئیسه مجلس: از نظر مجلس مینا «قانون» است، نه سناریوهای متغیر و بعضاً آزمایشی دستگاه‌های اجرایی



رفاه‌دهشیری | آبان

با هدف اصلی آن، یعنی تضمین دسترسی همه مشمولان به سبد حداقلی غذایی اجرا کند، می‌گوید: احمد نادری در گفت‌وگو با خانه ملت می‌افزاید: داریم که تکلیف دولت را روشن کرده است. از نظر مجلس، مینا «قانون» است، نه سنار یوهای متغیر و بعضاً آزمایشی دستگاه‌های اجرایی.

احمد نادری در گفت‌وگو با خانه ملت می‌افزاید: وقتی وزیر از چند مدل مختلف کالابرگ، از دو شیوه انتخابی، از جابه‌جایی بین تخفیف ۲۰درصدی و اعتبار ۵۰۰ هزار تومانی سخن می‌گوید، اگر این مدل‌ها در چارچوب قانون مصوب مجلس و برای اجرای دقیق همان قانون نباشد، از نظر ما انحراف از ریل قانونی است. ما به دولت اختیار نداده‌ایم که فلسفه طرح را تغییر دهد یا آن را به یک بسته تبلیغاتی تبدیل کند. سبد موظف است کالابرگ را طبق قانون و با هدف اصلی آن یعنی تضمین دسترسی همه مشمولان به سبد حداقلی غذایی اجرا کند.

■ مابه‌التفاوت حذف ارز ترجیحی بدون جبران کامل از سفره مردم بر داشته شده است

عضو هیئت رئیسه مجلس بخش مهمی از بحث‌هایی که دولت درباره مدل‌های مختلف کالابرگ مطرح می‌کند، برصحتاًخارج از ریل قانون می‌داند و می‌گوید: قانون مجلس در خصوص کالابرگ، یک هدف روشن دارد که جایگزینی بخشی از یارانه نقدی با یک ابزار کالایی برای تأمین امنیت غذایی، آن هم با حفظ کف حمایت از دهک‌های هدف است، منابع این سیاست

هم به صراحت از محل مابه‌التفاوت ناشی از حذف ارز ترجیحی پیش‌بینی شده است؛ ارزی که امروز در بسیاری از کالاه‌ها حذف شده، اما سیاست جبرانی متناسب با آن برای مردم به‌طور کامل اعمال نشده است. وقتی دولت به جای تمرکز بر «اجرای کامل و سراسری این تکلیف»، شروع می‌کند به طراحی مدل‌های متنوع، دوگانه‌سازی‌های صوری-مثل اینکه مردم بین دو شیوه انتخاب کنند- و بازی با جزئیات اجرایی بدون حل مسئله اصلی، از نظر مجلس یک نوع «انحراف گفتمانی و اجرایی» است.

جای عمل به اصل قانون کالابرگ عنوان می‌کند: دولت این است که شما اول قانون را درست اجرا کنید؛ پوشش، شمول، کف حمایت و تضمین سبد غذایی را مطابق قانون تأمین کنید، بعداً اگر ظرفیت ابزار دارید، درباره تنوع مدل صحبت کنیم- اما! اینکه اجرایی بدون حل مسئله اصلی، از نظر مجلس یک نوع در متن، قابل قبول نیست.

وی با تأکید بر ضرر و زیان مدل‌سازی‌های جدید به جای عمل به اصل قانون کالابرگ عنوان می‌کند: وزیر کار می‌گوید دولت با کالابرگ تلاش می‌کند قیمت‌ها را برای مصرف‌کننده ثابت نگه دارد و مابه‌التفاوت را بپردازد؛ این ادعا در سطح شعار، جذاب است، اما دو مشکل اساسی دارد: اول اینکه قانون مجلس معیار را «تضمین دسترسی خانوار به سبد حداقلی کالاهای اساسی» قرار داده، نه صرفاً وعده تثبیت قیمت روی ۱۱ قلم کالا در ۱۲ هزار فروشگاه،

پنج‌شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴ | ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ |

بنابراین اگر قرار است قیمت برای مصرف‌کننده واقعاً قابل تحمل شود، باید نتیجه این باشد که هر فرد حداقل کالری لازم و سبد غذایی پایه خود را تأمین کند، نه اینکه صرفاً روی کاغذ تخفیف ۲۰درصدی با اعتبار ۵۰۰ هزار تومانی ثبت شود. دوم اینکه تجربه چند نوبت اجرای کالابرگ نشان داده است بدون طراحی دقیق، کالابرگ می‌تواند بیشتر به یک «ابزار مدیریت ظاهری قیمت» تبدیل شود تا یک سازوکار جدی فقرزدایی.

■ معیار «امنیت غذایی» است نه تعداد تراکنش‌ها

عضو هیئت رئیسه مجلس تأکید می‌کند: ما در مجلس تأکید داریم که معیار، «امنیت غذایی» است، نه تعداد تراکنش‌ها و رضایت کوتاه‌مدت، بنابراین اگر ابزار فعلی کالابرگ نتواند حداقل کالری مورد نیاز هر فرد را پوشش دهد، با قانون و با فلسفه مداخله در این حوزه فقرزدایی نیست.

نادری در ادامه به جمع‌بندی انتظارات روشن مجلس از دولت در موضوع کالابرگ می‌پردازد و می‌گوید: اول اینکه دولت موظف است «قانون مجلس درباره کالابرگ» را بدون تفسیر سلیقه‌ای و بدون انحراف اجرا کند، بنابراین هر مدلی که خارج از چارچوب قانون تعریف شود، از نظر ما انحرافی است. دوم اینکه محور طرح باید «مقابله با فقر غذایی» و «تضمین حداقل کالری برای هر فرد» باشد، نه صرفاً نمایش

افزایش اعتبارات یا تنوع مدل‌ها.

عضو هیئت رئیسه مجلس در بیان دیگر انتظارات مجلس از دولت در اجرای قانون کالابرگ الکترونیک می‌افزاید: در وضعیت بحرانی فعلی، دولت باید به‌طور جدی و شفاف از ابزار «یارانه در مقصد» برای پُر کردن سبد غذایی خانوارهای کم‌درآمد استفاده کند، به گونه‌ای که اثر آن در سفره مردم قابل رؤیت باشد. دیگر اینکه هر گونه طرحی-جدید- از جمله شیوه‌های پیشنهادی اخیر وزارت رفاه- باید به مجلس ارائه و از منظر انطباق با قانون، عدالت توزیعی و کارایی رفاهی بررسی شود. ما اجازه نمی‌دهیم با آزمون و خطا در سیاست‌های معیشتی، امنیت غذایی مردم به مخاطره بیفتد. این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با تأکید بر اینکه اصل برای ما «قانون مصوب مجلس» و «حق مردم به امنیت غذایی» است، تصریح می‌کند: در موضوع کالابرگ، از نظر مجلس هیچ راهی جز اجرای دقیق و کامل قانون وجود ندارد. دولت حق ندارد با طرح‌های موازی، مدل‌سازی‌های متغیر یا رویکردهای سلیقه‌ای، مسیر را دور بزند یا فلسفه قانون را تغییر دهد.

نادری می‌افزاید: تنها مسیر مشروع و قابل قبول، پایبندی به قانون و طراحی تمام جزئیات اجرایی در خدمت یک هدف روشن است، آن هم تضمین دسترسی همه مشمولان به سبد حداقلی غذایی و تأمین حداقل کالری مورد نیاز هر فرد. هر راه دیگری، عملاً انحراف از تکلیف قانونی و تضییع حق معیشت مردم است.

وضعیت تغییرات قیمت نهاده‌های ساختمانی در تابستان ۱۴۰۴

دیوار تورم نهاده‌های ساختمانی قد کشید

شاخص قیمت نهاده‌های ساختمانی تهران در تابستان ۱۴۰۴ با جهشی جدید روبه‌رو شد و بخش‌های مختلف اجرایی با شدت‌های متفاوت افزایش قیمت را تجربه کردند

نشان می‌دهد این گروه که ارتباط نزدیکی با هزینه‌های تجهیزات، لوله‌کشی و عایق دارد، همچنان در مسیر افزایشی قرار گرفته‌است. در تأسیسات ثابت، شاخص ۴۴۶/۴ واحد گزارش شده و رشد ۲/۳ درصدی نسبت به فصل قبل در آن ثبت شده‌است. رشد ۲۶/۲ درصدی نقطه‌به‌نقطه و ۲۳/۸ درصدی تورم سالانه این گروه نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها در این حوزه نیز نسبت به سایر گروه‌ها ملایم‌تر بوده، اما همچنان اثر گذار است. در گروه ماشین‌بزرگ نیز شاخص سه ۳۳/۱ واحد رسیده و رشد ۲/۹ درصدی نسبت به فصل قبل ثبت شده‌است. این گروه کمترین تورم نقطه‌به‌نقطه را با رقم ۲/۱ درصد دارد و تورم سالانه آن نیز ۹/۹ درصد است. این موضوع نشان می‌دهد بازار شیشه در مقایسه با سایر نهاده‌ها نوسان کمتری را تجربه کرده و از ثبات نسبی بیشتری برخوردار بوده‌است. در گروه خدمات، شاخص به ۱۱/۷ واحد رسیده و رشد ۴/۷ درصدی نسبت به فصل قبل را ثبت کرده‌است. افزایش ۵۵ درصدی نسبت به سال گذشته و رشد سالانه ۴۸/۶ درصد نشان می‌دهد هزینه خدمات اجرایی و فنی در سال اخیر با دامنه‌ای وسیع افزایش یافته‌است. این افزایش می‌تواند هزینه‌های مدیریتی و نیروی کار را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در نهایت، گروه کرایه ماشین‌آلات شاخص ۱۷۸/۶ واحدی را ثبت کرده و بر خلاف بسیاری از گروه‌ها، تغییر فصلی در آن دیده نمی‌شود، با این حال این گروه نسبت به سال گذشته ۲۸/۸ درصد افزایش قیمت داشته و تورم سالانه آن ۳۹/۸ درصد گزارش شده است. ثبت فصلی این گروه اگرچه به کنترل بخشی از هزینه‌ها کمک کرده‌است، اما افزایش سالانه نشان می‌دهد فشار تورمی در بخش ماشین‌آلات نیز همچنان وجود دارد و هزینه بهره‌گیری از تجهیزات سنگین در اجرای پروژه‌ها را افزایش می‌دهد. مجموع این آمارها نشان می‌دهد بازار نهاده‌های ساختمانی تهران در تابستان ۱۴۰۴ در شرایطی قرار گرفته‌است که بخش‌های مختلف آن به شدت تحت تأثیر افزایش قیمت‌ها هستند، اگرچه شدت این رشد در گروه‌های مختلفی متفاوت است.

بررسی روندهای فصلی، نقطه‌به‌نقطه و سالانه گویای آن است که تورم در این بخش هنوز تثبیت نشده و تحول‌های ناشی از بازارهای جهانی، نرخ ارز، هزینه‌های انرژی و وضعیت تولید داخلی می‌تواند در ادامه مسیر نیز تغییراتی قابل توجه ایجاد کند.

شده است. استفاده گسترده از سنگ در نما، کفسازی و بخش‌های تزئینی ساختمان باعث می‌شود رشد قیمت آن به‌طور مستقیم بر هزینه‌های مرحله تکمیل اثر بگذارد. اما یکی از مهم‌ترین تحولات تابستان در گروه آهن، میلگرد، پرروفیل در و پنجره و ترده رخ داده، جایی که شاخص قیمت این گروه به ۱۴۴/۹ واحد رسیده و رشد ۱۰/۸ درصدی را نسبت به فصل قبل ثبت کرده‌است. این رقم بالاترین تورم پیش‌شده در میان تمام گروه‌های اجرایی است. آهن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نهاده‌های مصرفی در اسکلت‌سازی، فونداسیون و اتصالات، نقش مهمی در تغییر هزینه پروژه‌ها دارد. رشد ۲۶/۴ درصدی نقطه‌به‌نقطه و افزایش ۲۵/۴ درصدی تورم سالانه نشان می‌دهد بازار آهن همچنان تحت تأثیر نوسان‌های بیرونی، از جمله قیمت‌های جهانی و تغییرات داخلی قرار دارد. در گروه چوب، شاخص به ۲۰۰/۳ واحد رسیده و رشد ۹/۶ درصدی نسبت به فصل قبل ثبت شده است.

این گروه بیشترین تورم نقطه‌به‌نقطه تابستان را با رقم ۷۲/۸ درصد تجربه کرده‌است که نشان می‌دهد بخشی از مصالح مرتبط با ساخت، دکوراسیون و قالب‌بندی به‌طور چشمگیری تحت تأثیر عوامل قیمتی قرار گرفته‌اند. تورم سالانه این گروه ۵۲ درصد بوده و نشان می‌دهد روند افزایشی آن از ابتدای سال تاکنون قابل توجه بوده‌است. در بخش ابزاروگام، قیرگونی و آسفالت نیز شاخص به ۱۹۲/۷ واحد رسیده و رشد ۸/۸ درصدی نسبت به فصل قبل ثبت شده‌است. افزایش ۶۷/۷ درصدی نقطه‌به‌نقطه و ۱۱/۴ درصدی تورم سالانه این گروه بیانگر آن است که هزینه‌های مرتبط با پوشش‌های عایق و آسفالت در سال جاری سهم قابل توجهی از رشد قیمت‌ها را تشکیل داده‌اند. در گروه شیرآلات بهداشتی، شاخص به ۱۷۲/۲ واحد رسیده و رشد ۲/۲ درصدی نسبت به فصل قبل ثبت شده‌است.

این گروه نسبت به سال گذشته ۴۵/۴ درصد افزایش قیمت داشته و تورم سالانه آن ۴۰/۴ درصد گزارش شده است. این روند نشان می‌دهد هزینه‌های هر مرحله تکمیل واحدها در بخش تأسیسات داخلی نیز با سرعت قابل توجهی در حال افزایش است. در گروه تأسیسات مکانیکی، شاخص ۱۵۷/۱ واحدی ثبت شده و رشد ۷/۹ درصدی نسبت به فصل قبل در آن قابل مشاهده است. افزایش ۳۸/۶ درصدی نقطه‌به‌نقطه و رشد ۲۴/۲ درصدی سالانه

فصل قبل و جهش ۴۵/۷ درصدی نسبت به تابستان سال گذشته است. این گروه یکی از پایه‌های اصلی ساخت‌وساز است و افزایش آن به‌طور مستقیم در بهای تمام‌شده پروژه‌ها منعکس می‌شود. زیرا بخش قابل توجهی از عملیات اسکلت، فونداسیون و اجزای اصلی ساخت بر پایه این مواد شکل می‌گیرد. رشد سالانه ۴۸/۳ درصدی این گروه نشان می‌دهد فشار هزینه‌ای آن در طول یک سال گذشته به‌صورت پیوسته افزایش یافته‌است. در گروه گچ و گچ‌آجر نیز وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود. شاخص این گروه در تابستان به ۲۳۴ واحد رسیده و رشد ۵/۶ درصدی نسبت به فصل قبل را ثبت کرده‌است. این گروه که یکی از حساس‌ترین نهاده‌های ساختمانی در نظر نیروی کار و قیمت مواد اولیه است، نسبت به سال گذشته با جهش ۲۶ درصدی روبه‌رو شده و رشد سالانه آن به ۵/۰۵ درصد رسیده‌است. این ارقام نشان می‌دهد هزینه تکمیل واحدهای مسکونی، به‌ویژه در مرحله نازک‌کاری، با فشار مضاعفی مواجه شده است. در گروه بلوک، سفال و آجر، شاخص ۱۵۲/۲ واحدی ثبت شده که بیانگر افزایش ۳/۵ درصدی نسبت به فصل قبل و رشد ۶۰/۳ درصدی نسبت به سال گذشته است. روند افزایشی این گروه از آن جهت اهمیت دارد که بخش بزرگی از ساخت‌وسازهای میان‌مرتبه و انبوه‌سازی در تهران وابستگی بالایی به این محصولات دارند و رشد قیمت آنها می‌تواند هزینه‌های مصالح پایه را افزایش دهد. تورم سالانه این گروه ۵۵ درصد گزارش شده که در کنار سایر گروه‌های مصالح بنایی، نشان‌دهنده رشد سنگین قیمت‌ها در ارکان اصلی ساختمان است.

در گروه موزائیک، کاشی و سرامیک نیز شاخص به ۹۶/۴ واحد رسیده و رشد ۸/۳ درصدی نسبت به فصل قبل ثبت شده‌است. این گروه یکی از اقلام مهم در نازک‌کاری و تکمیل واحدهای مسکونی به شمار می‌رود و افزایش ۴۹/۲ درصدی نقطه‌به‌نقطه آن بیانگر فشار هزینه‌ای جدی در مرحله نهایی ساخت است.

تورم سالانه این گروه ۴۳/۱ درصد اعلام شده‌است که نشان می‌دهد روند افزایشی آن نسبت به برخی گروه‌های دیگر اندکی ملایم‌تر بوده‌است اما همچنان اثر قابل توجهی بر قیمت تمام‌شده دارد. در بخش سنگ نیز شاخص قیمت به ۱۸۱/۸ واحد رسیده و نسبت به فصل قبل ۷/۴ درصد رشد کرده‌است. جهش نقطه‌به‌نقطه این گروه به ۹/۴ درصد رسیده و تورم سالانه آن نیز ۴۰/۵ درصد گزارش